

یادداشت‌هایی دربارهٔ سینها
و هنرهای رزمی

سعید غفاری

پروپوزیشن‌های پژوهشی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

[۱]

پایان دنبال کند.

آنچه در بخش هنرهای رزمی دوازدهمین جشنواره فجر به نمایش گذاشته شد مروری بود بر سینمای هنرهای رزمی کشور چین، کشوری که زادگاه و خاستگاه هنرهای رزمی و ریشه های آن است. هر چند در ساخت این نوع فیلمها کشورهای هنگ کنگ و ژاپن گوی سبقت را از چین ربوده اند؛ آنچه فیلمهای چینی را از فیلمهای دیگر کشورها متمایز می کند، بار عاطفی و همچنین اتصال ریتمیک فلسفه چینی با چنین فیلمهایی است. در فیلمهای چینی می توان ایده آلهای فلسفی، سنتهای فرهنگی و مردمی کشور چین و آداب و رسوم آنها را دید. در حالی که صنعت فیلمسازی هنرهای رزمی در کشورهای ژاپن و هنگ کنگ بیشتر متأثر از «مدروزه» است تا تکیه بر فرهنگ سنتی و بومی آن کشورها. این وجه تمایز سبب می شود هر نوع تماشاگری با هر نوع تقاضا، فیلمها را به راحتی تحمل و آنها را تا

[۲]

هنرهای رزمی در کشور چین به عنوان یک ورزش شاید کمتر به آن توجه شود؛ زیرا هنری است کهن و اسرارآمیز که آمیزه ای عمیق با مذهب آن کشور دارد. عقیده بر این است که «ذن مذهب بودایی» و هنرهای رزمی یک بنیان گذار مشترک داشته و فلسفه ها، وابسته به یک طبیعت می باشند و تساریخهای آنها به صورت لغزش ناپذیری به هم آمیخته شده است. با اینکه مدارک یا اشیای کمی در مورد تاریخ هنرهای رزمی وجود دارد؛ بسیاری از دست اندرکاران هنرهای رزمی معتقدند که هنر آنها در اوایل قرن ۶ م در چین آغاز شد. این سرآغاز، آمیخته با افسانه ای است که، چگونه یک راهب هندی به نام «بودهیدهارما» به

معبد «سانگ شان شائولین» و صومعه پای کوههای «سونگ شان» آمد. او یک روش جدید را که منجر به نزدیکی مستقیم به مذهب بودا می شود، تعلیم می داد. این روش نیاز به ساعتها تفکر و مراقبه در حالت ثابت داشت. گفته می شود او به مدت ۹ سال در مقابل دیوار غاری نشست و به تعلیم دیگر راهبان پرداخت.

بودهیدهارما، به منظور کمک به راهبان برای اینکه بتوانند در برابر ساعتها تفکر و مراقبه طولانی تاب آورند، تکنیکهای تنفسی و همچنین تمریناتی را که منجر به توسعه قدرت بدنی و توانایی می شد آموزش می داد تا هم استقامت آنها بیشتر شود و هم بتوانند در مناطق کوهستانی که محل زندگیشان بود از خود دفاع کنند.

گفته می شود که «دهیانا» یا «مدرسه تفکر مذهب بودا» از چنین تعلیمات و آموزشهایی متولد شده که در چین به آن «چان» و در ژاپن «ذن» می گویند. هنر رزمی که «شائولین» نام گرفته است و گاه «بوکس معبد شائولین» نیز خوانده می شود به تمرینات «بودهیدهارما» مربوط است. چنین تصویری نیز وجود دارد که دیگر هنرهای رزمی در چین و ژاپن، از این سنت مشتق شده و رشد کرده اند. «بودهیدهارما» حامی مقدسی برای اکثر چینیه‌ها و ژاپنیهای دست اندرکار هنرهای رزمی است، به طوری که تصویر او را در یک حالت افتخارآمیز در سالنهای تمرین می آویزند. در این تصاویر همواره چهره بودهیدهارما زشت می باشد. او چشمهای آبی درخشان، موهای سیاه، ژولیده و فرفری و ریشی بلند دارد.

آنچه از این مقدمه کوتاه می توان دریافت سابقه بس دراز و طولانی هنرهای رزمی در جهان و بخصوص در چین است. یادگیری هنرهای

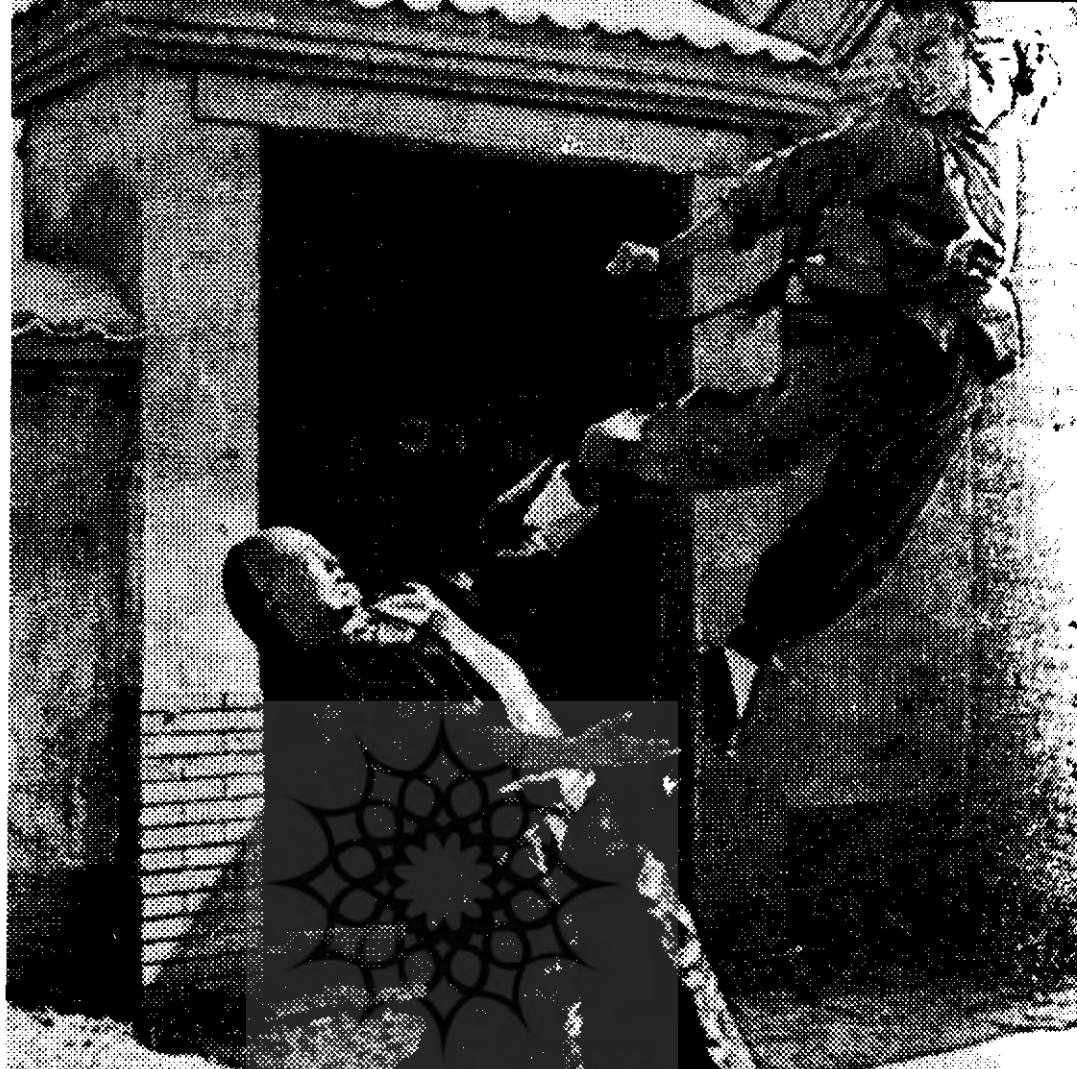
رزمی جزئی از زندگی مردم چین است. شاید همان احساس افتخاری را که ما نسبت به کشتی گیران خود داریم، چندین برابر آن را مردم چین نسبت به دست اندرکاران هنرهای رزمی در کشورشان داشته باشند.

[۳]

فیلمهای به نمایش درآمده از کشور چین داستانهایی روان و ساده دارند. پدری فرزانه یا استادی با تجربه کشته می شود و فرزند یا یکی از شاگردان برجسته در صدد انتقام برمی آید. در این میان لحظات آخر عمر پدر یا استاد همراه با سخنی عمیق است که یا او را به استادی با تجربه تر معرفی می کند و یا راهی را می گوید تا به نیرویی مافوق انسانی دست یابد. فرد با سخت کوشی به اجرای تمرینات خاصی می پردازد و در نهایت بدانچه باید، می رسد. چنان که نشان می دهد، در داستانهایی نیز، متأثر از تاریخچه پیدایش هنرهای رزمی، تلاش می شود تا جنبه های فکری، مذهبی عیان شود. شاید لطافت داستانهایی به همین خاطر باشد. در هر حال در این فیلمها انواع گوناگونی از سبکها و رشته های مختلف هنر رزمی چین به نمایش گذاشته شده است.

[۴]

شخصیت «زن» در فیلمهای چینی، نقشی تعیین کننده دارد. زن در کنار مرد و با مهارت و توانایی مساوی با او ظاهر می شود. در مواردی، سرنوشت داستان فیلم به او مربوط می شود و در مواردی دیگر نقش اصلی را دارد. این مسئله نشان می دهد که در فرهنگ چینی زن جایگاهی خاص



حاکم بر آن و جاذبیت‌های فراوانی که به همراه دارد، پس از آنکه توانست جای خود را در میان فیلمهای تجاری و پرفروش باز کند، مورد توجه سوءاستعمار و بخصوص شکل فرهنگی آن قرار گرفت. از یک طرف سادگی و راحتی ارتباط با هر نوع مخاطبی (بخصوص در کشورهای جهان سوم) و از طرف دیگر تبلور یافتن آرزوها و ارضای عقده‌های فردی و اجتماعی در فیلمنامه و ترکیب تصویری این فیلمها سبب شد تا اهرمی کارا در دست اهداف استعماری باشد. نگاهی به داستان فیلمهای معروف و هنرپیشگانی از این دست، همچون «ژان کلودوندم» می‌تواند به این مسئله روشنی بیشتری بخشد.

در این فیلمها شخصیت اصلی، فردی است که از غرب به شرق آمده (ترجیحاً از آمریکا). حادثه‌ای ناخواسته و یا از قبل طرح‌ریزی شده او را به سوی هنرهای رزمی و یا به عبارت دیگر شیوه تفکر و نگرش شرقی می‌کشاند. استادی معروف که حتی از پیاد دادن هنر خود به هموطنانش خودداری می‌کند (در فیلم چنین القا می‌شود که آنها صلاحیت آموختن را ندارند) با میل و رغبت به آموزش آن فرد از غرب آمده می‌پردازد و در این راه تمام توان خود را به کار می‌گیرد. فرد تحت آموزش، پس از تحمل سختیهای فراوان و یادگیری زیر و بمهای هنر استاد، خود به مقام استادی می‌رسد و شرقیهای بی‌فکر را که تنها به نیروی جسمانی دل‌خوش کرده‌اند، شکست می‌دهد. انواع دیگر این فیلمها نیز، تقریباً از همین روند داستانی پیروی می‌کنند و خمیر مایه عمده آنها پرداختن اینچنین را شامل می‌شود.

به روشنی نمایان است که هدف در این فیلمها

دارد. بخصوص اینکه در فلسفه چینی هر آنچه موجب باروری می‌شود «مقدس» است و برای آن احترام خاصی قابل هستند. همچون خاک و... به این ترتیب زنها همواره در دسته خوبها قرار دارند و اگر این خوبها در مقابل دسته بدها قرار گیرند علی‌رغم هر اتفاقی که بیفتد، این خوبها هستند که پیروز می‌شوند و دست «تقدیر» آنها را یاری می‌کند.

[۵]

انتخاب و اختصاص بخشی تحت عنوان «مروری بر سینمای هنرهای رزمی چین» در دوازدهمین جشنواره سراسری فیلم فجر بسیار غیرمنتظره بود. اغلب تماشاگران این فیلمها نیز جوانان بودند. وضع سینماها، با توجه به حضور جوانان علاقه‌مند، هنگام نمایش این فیلمها بسیار دیدنی بود.

متأسفانه علی‌رغم این استقبال، کیفیت فیلمها چندان قابل توجه نبود. در حالی که بیشتر فیلمها در سالهای اخیر ساخته شده بود و چندان هم قدیمی نبود.

[۶]

عرصه سینمای رزمی به واسطه معیارهای

به غیر از سرگرم کردن، حذف خود باوری از ملل شرقی است.

ناگفته پیداست که از طریق ساختن شخصیت‌هایی مطلق در حیطه ورزش، سعی می‌شود تا با ترفندهایی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز از آن متأثر شود و در نهایت، شرقیان در همه ارکان محتاج غربیان جلوه کنند و البته غربیانی باهوش و لایق! باوری که بخصوص آمریکا سخت به آن محتاج بوده و تنها در سایه آن می‌تواند به آرزوهای خود برسد.

جالب اینجاست که در این فیلمها به راحتی سنتهای شرقی در کنار فرهنگ غربی، به ترکیب و تلفیقی دوستانه می‌رسند. سنت شرقی در برخورد با فرهنگ غربی، زنده می‌شود و یا لاف از عامل ضرر، تبدیل به عنصر سودآوری می‌گردد.

همه اینها، در سایه رضایت درونی که از طریق فیلمها ایجاد می‌شود پنهان می‌ماند و تنها جلوه‌های آن که الگوسازی و قهرمان پروری به شیوه غربی است، رخ می‌نماید. به عبارتی دیگر، هر فرد، هر آنچه بخواهد می‌تواند انجام دهد، حتی اگر آن کار هنجارشکنی و یا خارج از حوزه فکری حاکم و موجود باشد؛ و در عین حال می‌تواند در جنبه‌های دیگری که وابسته به آن حوزه فکری است، پیشرفت کند و سیر صعودی را پیماید.

فرهنگ پذیری، یکی از اثرهای رسانه‌های جمعی و از جمله آنها سینما، عبارت است از جریان و فرایندی که طی آن ارزشها، باورها، سنتها و معیارهای رفتاری تقویت می‌شود. فرهنگ پذیری اثرات مهم دیگری را نیز به همراه خود دارد. این اثرات هنگامی عملی می‌شود که به میدان باورهای سیاسی، «خشونت» و نمایش

نقش جنسی معطوف شوند. دیدن مستمر فیلمهای رزمی باعث می‌شود که روحیه تهاجمی و برتری طلبی تا حدودی و به صورتی مصنوعی ارضا شود - البته عملاً به شیوع پیدا کردن چنین روحیه‌هایی در جامعه نیز دامن می‌زنند. در نهایت، وجود خشونت و حس تهاجمی و برتری طلبی در جامعه، معمول، طبیعی و قابل قبول جلوه می‌کند و حساسیت اجتماعی نسبت به آن پایین می‌آید.

فیلمهای رزمی به سبک غربی و آمریکایی پیش از اینکه بخواهند وسیله سرگرمی باشند، عامل عمیقتر شدن فرهنگ بیگانه و کمرنگ کردن ارزشهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. به رغم آنکه بینندگان این نوع فیلمها هرکدام با انگیزه خاصی به تماشای آنها می‌نشینند و برداشت اولیه هیچ فردی آمیخته با تزلزل ارزشهای فردی و پذیرش فرهنگ بیگانه نیست؛ این جریان به هر حال اتفاق می‌افتد و ناخواسته بینندگان چنین فیلمهایی در دام این تزویر می‌افتند یا از آن متأثر می‌گردند.

فردگرایی، توجه به خود و حفظ منافع فردی از دیگر تأثیرات این فیلمها (به سبک آمریکایی) می‌باشد. افتخار ملی زمانی مراد است که فرد نیز به همراه آن مطرح شود و چه بسا نقش برجسته‌تری پیدا کند. شاید بتوان به تعبیری چنین نوشت که، به دست آوردن یا حفظ «منافع فردی» تنها انگیزه‌ای است که شخصیت اصلی فیلم با آن زندگی می‌کند و به فعالیتهای گوناگون می‌پردازد. خانواده و احساسات انسانی هیچ پایگاه و منزلتی در این فیلمها ندارند و اگر هم باشند، نقش آنها کمکی است در جهت دراماتیک شدن بیشتر داستان فیلم.